



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
پروگرامه ماسټری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتونهای خصوصی

## دلایل اثبات دعوی مدنی در شریعت و قوانین افغانستان

رساله ماسټری

محصل: عبدالقاهر "عبد"

استاد رهنما: محترم پوهنمئل وزیر محمد "سعیدی"

سال تحصیلی:

1395 هـ ش و 1437 هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
برنامه ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتونهای خصوصی

# دلایل اثبات دعوی مدنی در شریعت و قوانین افغانستان

## رساله ماستری

محصل: عبدالظاهر "عبید"

استاد رهنما: محترم پوهنمل وزیر محمد "سعیدی"

1395 هـ ش و 1437 هـ ق

سال تحصیلی:

صلى الله عليه وسلم



# پوهنتون سلام



پوهنځی شریعات و قانون

د پیاوړتیا فقه و قانون

بورډ ماستری

## تصدیق نامه

محترم عبد الظاهر عبید ولد اسماعیل ID نمبر Sh-mst-94-045 (از دور سوم فقه و قانون) از پیاوړتیا نامه ماستری خویش زیر عنوان: دلایل اثبات دعوی مدنی در شریعت و قوانین افغانستان به روز دوشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۶/۴ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر هیأت ژوری مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور مصباح الله عبد الباقي	عضو هیأت	
۲	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیأت	
۳	استاد وزیر محمد سعیدی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... امر بورډ ماستری

## خلاصه بحث

عنوان راکه بنده تحت نام (دلایل اثبات دعوی مدنی در شریعت و قوانین افغانستان) تحریر نموده ام در اثبات دعوی مدنی نقش به سزایی خود را داشته ، برای اطراف دعوی و احقاق حق آنها از اهمیت خاصی برخوردار است و هم چنان برای کارمندان مراجع عدلی و قضایی به خصوص قضات محاکم نقش ارزنده ای را ایفاء خواهد کرد و خلاصه بحث مندرجه قرار ذیل است.

- دلیل: عبارت است از شئی که از وجود آن به وجود شئی دیگری بپریم
- دعوی: عبارت از خواستن حق است از غیر در حضور قاضی. و دعوی مطابق حکم ماده (5) قانون اصول محاکمات مدنی عبارت است از خواستن حق از غیر در پیشگاه محکمه.
- دعوی دارای اقسام چون دعوی صحیح ، فاسد و باطل میباشد.

1- دعوی صحیح: عبارت از دعوی است که مرتب می شود بالای آن احکام احضار خصم و مطالبه جواب از خصم، در صورت انکار خصم ، مدعی مکلف به اثبات توسط بینه و توجه یمین می باشد.

2- دعوی فاسد: عبارت از دعوی است که اصلاً صحیح بوده ولی غیر مشروع است.

3- دعوی باطل: عبارت از دعوی است که اصلاً و صفاً درست نمی باشد.

- وسایل ثبوت دعوی مدنی مطابق حکم ماده (272) قانون اصول محاکمات مدنی عبارت است از اقرار، بینه (اسناد، شهود قرائن قاطعه و مستنبطه) ، یمین و نکول. هم چنین دعوی مدنی دارای شروط خاص خود بوده که به تفصیل بالای آن صحبت شده است.

- اقرار: عبارت است از اخبار به حق برای غیر به ضرر خود در محکمه . اقرار دارای مجویز شرعی و قانونی میباشد.

- اسناد در دعوی مدنی از اهمیت عالی برخوردار بوده و به اسناد رسمی و عرفی تقسیم می گردد.

1- اسناد رسمی: ورقی است که از طرف موظفین عمومی در چوکات قانون در حدود صلاحیت شان ترتیب می گردد

2- اسناد عرفی: هر سند که رسمی نباشد ، ولی دارای مهر، امضاء یا اثر انگشت اشخاص ذی نفع باشد به عنوان سند عرفی شناخته می شود.

- شهادت: شهادت در نزد فقهاء کرام عبارت از اخبار شخص صادقی است برای اثبات یک حق به لفظ اشهد در مجلس قضاء.

- قرینه: عبارت از استنباط قانون گذار یا قاضی از امر معلوم برای امر مجهول است.

- مشروعیت قرینه توسط قرآن شریف ، سنت نبوی و قوانین وضعی ثابت شده است.

- سوگند: عبارت از شاهد گرفتن خداوند متعال برای اخبار به حقی به نفع خود به زیان دیگری .

● نکول: عبارت از امتناع شخص از قسم واجبه بر نفع یا ضررش می‌باشد.

اعتبار امر قضاوت شده به این معنی است در صورت اتحاد اصحاب دعوی، اتحاد موضوع دعوی و اتحاد سبب دعوی در دعوی حقوقی که قبلاً درباره آن از طرف محکمه فیصله صورت گرفته باشد موجود باشد آن دعوی بار دیگر در محکمه جریان پیدا نمی‌کند بلکه محکمه به همان فیصله قبلی و اولی اکتفاء نموده به رد و عدم سمع هم چون دعوی حکم خویش را صادر نموده و فیصله اولی را در زمینه قابل اجراء میداند.

## فهرست موضوعات

1	مقدمه:
<b>فصل اول: کلیات و مفاهیم</b>	
5	مبحث اول: دلیل:
5	تعریف دلیل:
6	تقسیم بندی دلایل:
6	الف: دلایل مستقیم و غیر مستقیم:
7	ب: دلایل تمهیدی و عارضی:
8	ج: دلایل اصلی، تکمیلی و احتیاطی:
9	د: تقسیم دلایل اثبات از جهت میزان دلالت:
10	مبحث دوم: اثبات:
10	تعریف اثبات:
11	موضوع اثبات:
12	قواعد اثبات:
14	مبحث سوم: دعوی:
14	تعریف دعوی:
15	اقسام دعوی:
16	ارکان دعوی:
17	شرایط صحت دعوی:
17	الف: شرایط عمومی صحت دعوی:
17	1- شرط عاقل و بالغ بودن طرفین دعوی:
20	2- شرط معلوم بودن مدعی علیه:
21	3- شرط حاضر بودن خصم در مجلس قضاء:
22	جزء اول: دیدگاهی فقه در کیفیت دعوی بالای مدعی علیه غایب:

- جزء دوم: دیدگاهی قانونی در مورد کیفیت دعوی بالای مدعی علیه غایب:.....24
- 4- شرط معلوم بودن مدعی بها:.....27
- 5- شرط است که دعوی احتمال اثبات را داشته باشد:.....28
- 6- شرط است که دعوی امکان اثبات حکم را بالای مدعی علیه داشته باشد:.....29
- 7- شرط است که دعوی در مجلس قضاء باشد:.....29
- 8- شرط است تا در دعوی تناقض نباشد:.....30
- ب: شرایط خصوصی دعوی:.....31
- 1- شرایط اختصاصی صحت دعوی عقار(اموال غیر منقول):.....31
- 2- شرایط اختصاصی صحت دعوی شفیع:.....32
- 3- شرایط اختصاصی صحت دعوی میراث:.....33
- 4- شرایط اختصاصی صحت دعوی فسخ عقد به سبب اکراه:.....33
- 5- شرایط اختصاصی صحت دعوی نکاح و اسباب انحلال ازدواج:.....34
- 6- شرایط اختصاصی صحت دعوی حضانت:.....36

### فصل دوم: اقرار و اسناد

- مبحث اول: اقرار:.....37
- مطلب اول: تعریف، حجیت، ارکان و شرایط اقرار:.....37
- تعریف اقرار:.....37
- حجیت اقرار ( مجوز شرعی و قانونی):.....38
- الف- مجوز شرعی:.....38
- ب: مجوز قانونی:.....39
- ارکان اقرار:.....39
- شروط اقرار:.....40
- الف- شرایط مقرر:.....40
- ب: شرایط مقررله:.....42
- ج- شرایط مقربه ( اقرار شده به آن):.....42
- مطلب دوم: اقسام اقرار:.....44



- الف: اقسام اقرار به اعتبار نوع دلالت آن: 44.....
- ب: اقسام اقرار به اعتبار دامنه ای شمول آن: 44.....
- ج: اقسام اقرار با اعتبار مکان اخبار آن: 45.....
- د: اقسام اقرار به اعتبار ابراز بیان آن: 45.....
- ح: اقسام اقرار به اعتبار نقش آن در دعوی: 45.....
- و: اقسام اقرار به اعتبار ترکیب آن: 46.....
- مطلب سوم: انواع مقربه، اقرار به نسب، اقرار درحالت مرض و آثار اقرار: 47.....
- الف: انواع مقربه: 47.....
- ب: اقرار به نسب: 48.....
- ج: اقرار در حالت صحت و مرض: 50.....
- 1- حکم اقرار در حالت صحت: 50.....
- 2- حکم اقرار در حالت مرض: 50.....
- د: آثار اقرار: 51.....
- 1- اثبات حق: 52.....
- 2- قطع دعوی: 52.....
- 3- عدم تأثیر انکار مقرر بعد از اقرار: 52.....
- مبحث دوم: اسناد: 53.....
- مطلب اول: سند رسمی: 53.....
- جزء اول: مفهوم، ارکان و شرایط سند رسمی: 53.....
- الف: تعریف سند رسمی: 53.....
- ب: ارکان سند رسمی: 55.....
- 1- تنظیم سند توسط موظف عمومی یا کارکنان خدمات عمومی: 55.....
- 2- رعایت صلاحیت اختصاصی در هنگام تنظیم سند: 57.....
- صلاحیت موضوعی موظف عمومی: 67.....
- صلاحیت حوزوی موظف عمومی: 58.....

- 3- رعایت مقررات قانونی در تنظیم سند:..... 58
- مرحله پیش از تنظیم سند:..... 59
- مرحله تنظیم سند:..... 59
- مرحله بعد از تنظیم سند:..... 60
- ج: ضمانت اجرای شرایط یاد شده:..... 60
- د: اثر بطلان:..... 61
- ه: اعتبار سند رسمی باطل:..... 62
- و: فرض صحت سند رسمی:..... 63
- جزء دوم: اعتبار سند رسمی:..... 62
- الف: اعتبار سند رسمی نسبت دو طرف:..... 64
- ب: اعتبار سند رسمی نسبت به اشخاص سوم:..... 67
- ج: اصل و رونوشت سند رسمی:..... 68
- ۱- اعتبار رونوشت سند رسمی در فرض وجود اصل:..... 69
- ۲- اعتبار رونوشت در صورت نبود اصل:..... 70
- اعتبار رونوشت سند رسمی اصلی:..... 70
- اعتبار رونوشت رسمی گرفته شده از روی رونوشت رسمی اصلی:..... 72
- اعتبار رونوشت تهیه شده از روی رونوشت رسمی که از روی رونوشت اصلی گرفته شده:..... 72
- د: قدرت اثباتی سند رسمی:..... 73
- مطلب دوم: سند عرفی:..... 74
- تعریف سند عرفی:..... 74
- جزء اول: اسناد عرفی تمهیدی:..... 74
- الف: شرایط صحت اسناد عرفی:..... 75
- ب: اعتبار سند عرفی:..... 75
- ج: اعتبار سند عرفی نسبت به دو طرف سند:..... 76

78..... جزء دوم: سند عرفی عارضی:

78..... سند عرفی عارضی:

79..... قدرت اثباتی سند عرفی:

### فصل سوم: شهادت وقرینه

80..... مبحث اول: شهادت:

80..... الف: تعریف شهادت:

80..... ب: رکن شهادت:

81..... ج: حکم شرعی شهادت:

81..... مطلب دوم: شروط شهادت:

81..... الف- شرایط مربوط به شاهد:

81..... 1- شروط تحمل شهادت:

82..... 2- شروط ادای شهادت:

84..... ب: تزکیه شهود:

85..... ج- شرایط مربوط به نحوه (چگونگی) ادای شهادت:

86..... مطلب سوم: رجوع از شهادت:

86..... الف: رجوع شاهد قبل از اصدار حکم قاضی:

86..... ب: رجوع شاهد بعد از اصدار حکم قاضی:

86..... مطلب چهارم: قضاء به شهادت غیر مسلمین و نصاب شهادت:

87..... الف: شهادت غیر مسلمین بر غیر مسلمین:

88..... ب: شهادت غیر مسلمین بر مسلمین:

89..... ج: نصاب شهادت در دعاوی مدنی (حقوقی):

90..... مبحث دوم: قرینه:

90..... مطلب اول: تعریف قرینه، مشروعیت و اهمیت آن:

- الف: تعریف قرینه:..... 90
- ب: مشروعیت قرینه:..... 91
- ج: اهمیت قرینه:..... 91
- مطلب دوم: انواع قرینه:..... 91
- الف: قرینه قانونی:..... 92
- تعریف قرینه قانونی:..... 92
- رکن قرینه قانونی:..... 92
- نقش قرینه قانونی:..... 93
- لزوم اثبات واقعه یا عنصر اول قرینه قانونی:..... 94
- حکمت قرینه قانونی:..... 94
- اعتبار قرینه قانونی:..... 96
- ب: قرینه قضایی:..... 97
- مواد قانونی:..... 97
- تعریف قرینه قضایی:..... 97
- ج: تفاوت قرینه قضایی از قرینه قانونی:..... 98

### فصل چهارم: سوگند و اعتبار امر قضاوت شده

- مبحث اول: سوگند:..... 100
- مطلب اول: تعریف، مشروعیت، شروط، انواع، صیغه، نیت و حکم سوگند:..... 100
- الف: تعریف سوگند:..... 100
- ب: مشروعیت سوگند:..... 100
- ج: صیغه قسم نیت و حکم آن:..... 101
- د: شروط سوگند:..... 102

- 103.....هـ: انواع قسم:
- 106.....ی: حقوق که سوگند در آن جایز و ناجائز است:
- 107.....ز: قضاء به شاهد و قسم مدعی:
- 108.....مطلب دوم: نکول وقضاء به علم قاضی:
- 108.....جزء اول: نکول:
- 108.....الف: تعریف نکول:
- 109.....ب: حقیقت نکول:
- 109.....ج: قضاء به نکول:
- 111.....د: مجال قضاء به نکول:
- 111.....جزء دوم: قضاء به علم قاضی:
- 111.....الف: قضاء قاضی به علمش در فقه:
- 112.....ب: قضاء قاضی به علمش در قوانین افغانستان:
- 113.....مبحث دوم: اعتبار امر قضاوت شده:
- 113.....الف: تشخیص اعتبار امر قضاوت شده:
- 114.....ب: شرایط اعتبار امر قضاوت شده:
- 114.....1- شرایط حکم:
- 116.....2- شرایط لازم در حق مورد دعوی:
- 119.....اعتبار حکم جزای در محکمه مدنی:
- 121.....نتیجه گیری (خاتمه) بحث:
- 123.....پیشنهادات:
- 124.....فهرست منابع و مأخذ:

## نتیجه گیری (خاتمه) بحث

به کمک و توفیق الله متعال ، بحث تحت عنوان (دلایل اثبات دعوی مدنی در شریعت و قوانین افغانستان ) راباکوشش در حدتوان به پایان رسانده و مهم ترین موضوعات بحث مذکور را می توان در چهار فصل گذشته در نکات آتی مختصر ساخته و نتیجه گیری نمود

1- دلیل در امور دعوی مدنی عبارت(از فراهم آوردن وسایل است که وجدان قاضی را قانع کند) و دلیل به دلایل مستقیم , غیر مستقیم, تمهیدی, عارضی , اصلی, تکمیلی, احتیاطی, الزامی و غیر الزامی تقسیم گردیده است.

2- اثبات: مرحله علم به چیزی را مرحله اثبات آن چیز نامند, اثبات شامل دلیل موضوعی و حمکی بوده و مدعی مکلف به اثبات سبب یا منبع حق میباشد و دلیل حکمی دلیل است که در دعوی حکم قانون را برای موضوع بیان میکند و هم چنین اثبات دارای قواعد نیز میباشد.

3- دعوی: دعوی عبارت از خواستن حق است از غیر در پیشگاه محکمه. دعوی, به دعوی صحیح, فاسد و باطل تقسیم میگردد و رکن دعوی عبارت است از خواستن و طلب کردن شیء از جانب مدعی برای خودش , عقل, بلوغ, معلوم بودن مدعا بها, حاضر بودن خصم در مجلس قضاء, معلوم بودن مدعی علیه, احتمال الثبوت بودن دعوی در مجلس قضاء و عدم تناقض در دعوی شرایط دعوی شمرده میشود.

4- اقرار: اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر به ضرر خود در محکمه, اقرار حکم قرآن و سنت نبوی مجوز شرعی داشته و در قوانین وضعی افغانستان نیز از آن بحث شده است . مقرر, مقررله و مقربله از جمله ارکان اقرار محسوب شده معلوم بودن, عاقل بودن, بالغ بودن, عدم اکراه و عدم وجود اتهام از جمله شرایط مقرر بوده. معلوم بودن مقررله, اهلیت و عدم تکذیب مقرر از جمله شرایط مقررله میباشد. اقرار صریح, اقرار ضمنی, اقرار کلی, اقرار جزئی, اقرار در محکمه, اقرار در خارج از محکمه, اقرار شفاهی, اقرار کتبی, اقرار قاطع الدعوی, اقرار غیر قاطع الدعوی, اقرار ساده, اقرار مقید و اقرار مرکب اقسام اقرار را تشکیل داده و اقرار شامل حقوق الله, حقوق العباد و حقوق مختلط (حق الله و حق العبد) میباشد.

هرگاه اقرار شخص بدون جبر و اکراه در چوکات شریعت و قانون صورت گرفته باشد انکار بعدی آن ارزش حقوقی ندارد.

5- اسناد: اسناد به دو دسته تقسیم میشود سند رسمی و سند عرفی. سند رسمی ورقی است که مؤظف خدمات عمومی یا کارکنان خدمات عامه به اساس احکام قانون در حدود صلاحیت اختصاصی خویش آنچه را به حضورشان گذارش می یابد یا اشخاص زی علاقه کسب میکند در آن درج و ثبت نموده باشد. اسناد رسمی دارای ارکان است: 1- تنظیم و ترتیب توسط مؤظف عمومی یا کارکنان خدمات عمومی. 2- رعایت صلاحیت اختصاصی موضوعی و حوزوی در هنگام تنظیم سند. 3- رعایت مقررات قانونی در تنظیم سند میباشد.

هرسند که رسمی نباشد ولی دارای مهر، امضاء و یا اثر انگشت اشخاص ذی نفع باشد به عنوان سند عرفی شناخته میشود که اسناد عرفی در مدارک اثبات قرار گرفتن اش دارای ارکان و شرایط خودش میباشد.

6- شهادت: شهادت عبارت از اخبار شخصی صادقی است برای اثبات یک حق بلفظ اشهد در مجلس قضاء .

7- قرینه: قرینه به دو نوع تقسیم میشود قرینه قانونی وقرینه قضائی. قرینه قانونی قرینه است که قانونگذار آن را دلیل به امری دانسته است وقرینه قانونی دارای دو عنصر میباشد مادی ومعنوی قرینه قانونی به قرینه قاطعه غیر قاطعه تقسیم شده است. قرینه قضایی عبارت است از استنباط امر غیر ثابت از امر ثابت بر اساس اینکه هر وقت امر ثابت موجود باشد غالباً امر غیر ثابت نیز محقق میشود.

8- سوگند: سوگند عبارت است از تأکید بر ثبوت حق یا نفی آن در مجلس قضاء با ذکر اسم الله یا صفتی از صفاتش، صیغه قسم عبارت است از والله، بالله، رب العالمین وحی الذی لایموت یا دیگر اسماء که مختص به الله متعال باشند مانند رحمن، رحیم وخالق و غیره و سوگند دارای شرایط به خصوص خویش میباشد و دارای اقسام سوگند قضائی و غیر قضائی میباشد.

9- نکول: نکول عبارت است از امتناع شخص از قسم واجبه بر نفی و یا ضرر خودش میباشد در مورد حقیقت نکول فقها نظریات مختلف دارند: در نزد امام ابوحنیفه رح نکول در امور دارای مجال سوگند به معنی بذل است و در امور که سوگند در آن مجال ندارد به معنی اقرار است. امام ابویوسف و امام محمد نکول را به معنی اقرار دارای شبهه میدانند و امام شافعی نکول را مانند بینه میدانند فقهای حنبلی به این باور اند که نکول مانند اقامه بینه است زیرا ناکل را مقرر گفته نمیتوانیم پس مانند اقامه شاهد است.

10- علم قاضی عبارت از آن ظن مؤکد است که مستند به آن شهادت وی مدار اعتبار باشد. در موضوع قضاء به علم قاضی فقها دارای نظریات مختلف میباشد دیدگاه شان در مورد قضاء قاضی به علمش از حقوق الله محض تا حقوق العباد متفاوت است به اتفاق نظر فقها به این باور اند که قضاء قاضی به علمش در حدود خالص مانند حد زنا، حد شرب، و خمر و غیره جواز ندارد اما قضاء قاضی به علمش در حقوق العباد یک موضوع اختلافی است.

11- اعتبار امر قضاوت شده یا همان رویه قضایی به این معنی است که حکم میان دو طرف دعوی نسبت به خود حق موضوع دعوی از نظر محل و سبب معتبر است حکم قضاوت شده در این حد صحت و معتبر است و قابل نقض نیست مگر اینکه از طریق استیناف خواهی و یا فرجام خواهی و یا تجدید نظر خواهی مواجه به نقض شود.

## پیشنهادات

- در آخیر برای برگذاری یک محکمه عادلانه ، واستفاده درست از منابع شرعی وقانونی بخصوص دلایل اثبات دعوی مدنی موارد ذیل را پیشنهاد می نمایم:
1. مضامین شرعی وفقهی در مراکز علمی به خصوص در مراکز که قضات ،کارمندان محاکم ،وکلای مدافع وحارنوالان علم فرا می گیرند باید به طور درست ودقیق ومطابق به معیارهای بین المللی تدریس شود.
  2. قبل ازدوره هایی تخصص (ستازقضایی وستازوکالت دفاع)باید در دوره های لسانس قوانین متنی وشکلی برای محصلین پوهنهی های شرعیات وحقوق تدریس شودتا اینکه درآینده هابه مشکل مواجه نشوند.
  3. در دستگاهای عدلی وقضایی افرادگماشته شونده که دارای فهم فقهی وقانونی باشند.
  4. بایدکوشش اعظمی صورت گیردتا اینکه کسانی که بعنوان قاضی یاوکیل مدافع تعین می شونده زبان عربی بلدیت داشته باشندچون متون ونصوص شرعی به زبان عربی بوده ودر صورت نا آشنایی آنها به زبان عربی دردوسیه های موصله بخصوص دوسیه های حقوقی به مشکل مواجه نشوند.
  5. بایدستره محکمه وانجمن مستقل وکلای مدافع سمینارهای علمی را جهت ارتقای ظرفیت قضات ووکلای مدافع به راه اندازند تا اینکه قضات ووکلای مدافع روندبرگذاری محاکمه وبرسی دوسیه های حقوقی را چی از لحاظ ماهیوی وچی از لحاظ شکلی به صورت دقیق بیاموزند.
  6. بعضا موادقوانین نافذه کشور در میان هم درتناقض قراردارندوباید این خلاها از طرف وزارت عدلیه ودرکل از طرف مراجع مربوطه رفع شود.
  7. بایدفیصله های محاکم در تمام دعاوی بخصوص در دعاوی مدنی مستدل به دلایل شرعی وقانونی باشد.
  8. بایددر زمینه تفهیم دلایل اثبات دعوی مدنی برای کارمندان نهادهای عدلی وقضایی کوشش اعظمی صورت گیرد.

ومن الله توفیق



## فهرست منابع ومآخذ

### • قرآن كريم

1. .
2. ابن الحفيد، محمد بن احمد بن الرشد. ب، ت، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، مصر، مطبعة الأسمه.
3. ابن عابدين، محمد علاء الدين ابن السيد محمد امين. ب، ت، حاشية ردالمختار على الدرالمختار، شرح تنوير الابصار، مصر، مطبعة البابى الحلبي.
4. ابن فارس، احمد بن زكريا. 1979 م، معجم المقاييس اللغة، الجزء الخامس، تحقيق عبدالسلام هارون، بيروت، دارالفكر.
5. ابن قدامة، عبدالله بن احمد. ب، ت، المغنى فى فقه الامام احمد بن حنبل، جلد 5، الطبعة الثالثة، قاهره، دارالمنارة.
6. ابن قيم، محمد بن ابى بكر. ب، ت، الطرق الحكمية فى السياسة الشرعية، مصر، مطبعة الآداب.
7. ابن منظور، محمد ابن مكرم. 1414 هـ ق، لسان العرب، جلد 13، الطبعة الاولى، بيروت، لبنان.
8. ابن نجيم، زين الدين بن نجيم. ب، ت، بحر الرائق شرح كنزالدقائق، بيروت، دارالمعرفة.
9. ابو عمرو، مصطفى احمد وسعد، نبيل الابراهيم. 2011 م، الاثبات فى مواد المدنية والتجارية، چاپ اول منشورات الحلبي الحقوقية، بيروت.
10. الاتاسى، طاهر محمد الاتاسى. ترجمه محمد صديق ساجوقى، شرح مجلة الاحكام العدلية، مطبعه كابل، نشرات ستره محكمه، ميزان 1351 هـ ش، افغانستان.
11. اعظمى، محمد ضياء الرحمن. 1422 هـ ق و 2001 م، المنة الكبرى شرح وتخریج سنن الصغرى، المملكة العربية السعودية، الرياض، مكتبة الرشد.
12. الامدى، على ابن محمد. الاحكام فى اصول الاحكام، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان.
13. انورى، حسن. 1385 هـ ش، فرهنگ فشرده سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم.
14. بخارى، محمد بن اسماعيل. 1407 هـ ق 1987 م، الجامع الصحيح المختصر، تحقيق مصطفى ديب البغاء، الطبعة الثالثة، بيروت، دار ابن كثير، يمامة.
15. برخى علماء احناف، مجلة الاحكام العدلية، 1381 هـ ش، مطبعه بهير، كابل، افغانستان.

16. بركتى، محمد عميم الاحسان. 1407 هـ ق 1986 م، قواعد الفقه، كراتيشى، الصدف بيلشرز.
17. بهوتى، منصور بن يوسف بن ادريس. ب، ت، كشاف الفتاوى عن متن الإفتاء، جلد 6، مكة المكرمة، مطبعة المحمدية ومطبعة الحكومة.
18. تسولى، على بن السلام. البهجة شرح التحفة، تحقيق محمد عبدالقادر، الطبعة الأولى، بيروت، دارالكتب العلمية.
19. تعليمات نامہ تزكيه شهود، نافذه فرمان شماره (382/54) مؤرخ 19 سنبله 1335.
20. جعفرى لنگرودى، محمد جعفر. 1381 هـ ش، ترمينولوژى حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوازدهم.
21. حامد، عبدالواحد. 1394 هـ ش، طرق اثبات دعوى در فقه اسلامى وقوانين افغانستان، كابل، انتشارات سعيد.
22. حسامى، محمد بن محمد بن عمر حسام الدين الاخسيكشى. حسامى، مكتبه حبيبية، كويته، باكستان.
23. حصكفى، محمد بن على. 1386 هـ ق، الدر المختار، بيروت دارالفكر.
24. حيدر، على. ب، ت، دررالحكام شرح مجلة الاحكام، تحقيق محامى الفهمى الحسينى، بيروت، دارالمتب العلمية.
25. دردير، احمد بن محمد. ب، ت، الشرح الكبير، مصر، مطبعة البابى الحلبي والشركاء.
26. الدسوقي، احمد بن عرفه. حاشية الدسوقي، دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان.
27. رازى، محمد بن ابى بكر. 1415 هـ ق و 1995 م، مختار الصحاح، تحقيق محمود خاطر، الطبعة الجديدة، بيروت، مكتبة اللبان.
28. رسولى، عبدالحسين. 1391 هـ ش، قواعد عمومى قرار دادها، كابل، انتشارات اميرى، چاپ دوم.
29. رسولى، عبدالحسين. خزان 1393 هـ ش، دلایل اثبات دعوى در حقوق افغانستان، انتشارات فرهنگ، كابل چاپ اول.
30. رملى، محمد بن احمد. 1404 هـ ق و 1984 م، نهاية المحتاج الى شرح المنهاج، بيروت، دارالفكر.
31. رؤفى، عتيق الله. 1385 هـ ش، وثائق، ناشر: usaid، چاپ اول.
32. زحيلى، دكتور وهبة. فقه الاسلامى وادلته، دارالفكر، بيروت، لبنان.
33. زحيلى، دكتور وهبة. ب، ت، الوجيز فى اصول الفقه، كونته، المكتبة الرشيدية.

34. زيعلى، جمال الدين بن يوسف. 1418 هـ ق و 1997 م، نصب الراية لاحاديث الهداية، تحقيق محمد عوامه، الطبعة الأولى، بيروت، مؤسسة الريان للطباعة والنشر.
35. ستانكزى، محمد ظريف علم. جوزا 1392 هـ ش، اصول محاكمات مدنى، چاپ اول، كابل انتشارات رسالت.
36. السنهورى، عبدالرازق احمد. 1946 م، الموجز فى النظرية العامة للالتزامات فى القانون مدنى المصرى، قاهرة، مطبعة لجنة التأليف والترجمة والنشر.
37. السنهورى، عبدالرازق احمد. 2000 م، الوسيط فى شرح القانون المدنى الجديد، بيروت منشورات الحلبي الحقوقية، چاپ سوم.
38. شربيني، محمد خطيب. ب، ت، مغنى المحتاج، بيروت دارالفكر.
39. شعله، سعيد احمد. 2007 م، موسوعة القومى فى احكام النقض المدنية الاثبات، بى جا، ناشر: المركز القومى للاصدارات القانونية، چاپ اول.
40. شمس، عبدالله. 1390 هـ ش، ادله اثبات دعوى حقوق ماهوى، تهران، انتشارات دراك، چاپ پانزدهم.
41. الشهاوى، قدرى عبدالفتاح. 2006 م، نظرية الاثبات فى مواد المدنية والتجارية فى التشريع المصرى، قاهرة، دار النهضة العربى، چاپ اول.
42. شيبانى، احمد بن محمد. ب، ت، مسند امام احمد، تحقيق شعيب الارناووط، قاهرة، مؤسسة القرطبة.
43. شيرازى، ابراهيم بن على بن يوسف. ب، ت، المهذب، بيروت مطبعة البابى الحلبي والشركاء.
44. الصوافى، سالم بن حميد بن محمد. 2009 م، الشهادة بين الشريعة والقانون والعوارض التى تقدر فى قبولها، قاهرة، ناشر: مركز الغندر.
45. عبدالكريم، سيد عباس. 2001 م، عب الاثبات ونقله بين الفقه والقضاء، ناشر: دار ايجى لطباعة والنشر، مصر، چاپ دوم.
46. عبدرى، محمد بن يوسف. ب، ت، التاج والاكيل، الجزء الخامس، بيروت دالفكر.
47. عزيز، پوهاند عبدالعزيز. 1390 هـ ش، احكام ميراث ازنگاه فقه وقانون، افغانستان، چاپ اول، مطبعة كمبيوترى برادران متحد ونصرت محب صافى، كابل.
48. علم ستانكزى، محمد ظريف. حمل 1397 هـ ش، اصول محاكمات مدنى، كابل، انتشارات حامد رسالت، چاپ دهم.
49. على، عادل حسين. 1997 م، الاثبات - احكام الالتزام، بى جا، ناشر: مكتبة زهرا الشرق.

50. عيش، محمد. 1294هـ - ق، شرح منح الجليل على مختصر الخليل، المطبعة الكبرى.
51. فرج، توفيق حسن. وفرج، عصام توفيق حسن. 2003 م، قواعد الإثبات في المواد المدنية والتجارية، بيروت، منشورات الحلبي الحقوقية.
52. فقه تطبيقي ادله اثبات درمذاهب دعوى حنفي، مالكي، شافعي، حنبلي، امامي، زيدي، ظاهري واباضي، مترجم: منصوري (آراني) سعيد، تهران، نشر فرهنگ امروز، چاپ اول، 1377 هـ ش.
53. قانون اصول محاكمات مدني، طبع 1386 هـ ش، منتشره جريده رسمي شماره (722) مؤرخ 1355/5/31 هـ ش.
54. قانون مدني، طبع 1386 هـ ش، منتشره جريده رسمي شماره (353) مؤرخ 1355/10/13 هـ ش.
55. قزويني، محمد بن يزيد. ب، ت، سنن ابن ماجه، محمد فواد عبدالباقي، بيروت دالفكر.
56. القضاة، مفلح عواد. 2006 م، 2006 م، البيانات في المواد المدنية والتجارة دراسة مقارنة، عمان، دار الثقافة للنشر والتوزع، چاپ اول.
57. كاتوزيان، دكتور ناصر. 1388 هـ ش، اثبات ودليل اثبات، تهران، چاپ ششم، بنياد حقوقى ميزان.
58. كاتوزيان، ناصر. ميزان 1383 هـ ش، اعتبار امر قضاوت شده در دعوى مدني، تهران، چاپ ششم.
59. كاساني، علاء الدين زين الدين بن مسعود. 1982 م، بدائع الصنائع في الترتيب الشرائع، بيروت، دارالكتب العربي.
60. كريمي، دكتور عباس. تابستان 1391 هـ ش، ادله اثبات دعوى، ايران بنياد حقوقى ميزان، چاپ سوم.
61. الكيلاني، محمود. 2010 م، موسوعة القضاء المدني قواعد الاثبات واحكام التنفيذ، جلد 4، عمان، دارالثائفة.
62. محمود، همام محمد. وسليم، عصام انور، 2010 م، النظرية العامة للاثبات في المواد المدنية والتجارية، چاپ اول، منشورات الحلبي الحقوقية، بيروت.
63. مرغناني، على بن ابى بكر. ب، ت، الهداية شرح بداية المبتدي، جلد 1، المكتبة الاسلامية، باكستان.
64. مرقس، سليمان. ب، ت، اصول الاثبات واجراآته في المواد المدنية في القانون المصري مقارنا بتقنيات سائر البلاد العربية، قاهرة، ناشر عالم الكتاب.

65. مصطفوی، حسن. 1402 هـ ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمة والنشر، تهران چاپ اول.
66. مصطفی، ابراهیم. ب، ت، المعجم الوسیط، تحقیق مجمع اللغة العربية، دارالدعوة.
67. المنجد فی اللغة العربية المعاصرة، بیروت، دارالمشرق.
68. الموسوعة الفقهية الكويتية، جلد 26، 1404 هـ ق الی 1427 هـ ق، کویت وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامیة.
69. موسی، خالد (المحامی). 2004 م، طرق الاثبات فی المواد المدنیة والتجاریة فی ضوء الفقه والتشريع واحداث احکام محكمة لنقض، قاهرة، ناشر المكتب الثقافی للنشر والتوزیع ودارالسماح للنشر والتوزیع.
70. النداوی، آدم وهیب. 1986 م، شرح قانون الاثبات، بغداد، بی نا.
71. نیشاپوری، مسلم بن الحجاج. ب، ت، الجامع الصحیح المسمی بصحیح المسلم، تحقیق — بیروت، دارالفکر.
72. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون تجارت، طبع جدی 1386
73. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون اساسی افغانستان، طبع حمل 1390
74. وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون تشکیل وصلاحیت محاکم قوه قضائیه طبع حمل 1390
75. مولوی عبدالباقی، رهنمائی وثایق سجلات دعاوی محاکم، 1391، کتاب خانة سعید، کابل
76. دانش، سرور، 1392، حقوق اداری افغانستان، ناشر موسسه تحصیلات عالی ابن سینا، کابل
77. الطحاوی، احمد بن محمد بن سلامت الطحاوی شرح المعانی الآثار، 2009، ناشر. عالم الکتب

**بخاطر دسترسی به متن کامل این تحقیق مراجعه شود به:**

**پوهنتون سلام، کتابخانه مرکزی چهار راهی گل سرخ، سرک کلوله پشته**

**و یا هم به ایمیل آدرس ذیل تماس گرفته شود:**

**[salamresearchcentre@salam.edu.af](mailto:salamresearchcentre@salam.edu.af)**